

بررسی هنجارگریزی در شعر شفیعی کدکنی بر مبنای الگوی لیچ

دکتر محمدرضا پهلوان نژاد (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)
نسرین ظاهری بیرگانی (کارشناس ارشد زبانشناسی)

تاریخ دریافت مقاله: شهریور ۱۳۸۸ تاریخ پذیرش مقاله: دی ۱۳۸۸

چکیده

هنجارگریزی یکی از مؤثرترین شیوه‌های برجسته‌سازی و آشنایی‌زدایی در شعر است که بسیاری از شاعران از آن بهره برده‌اند. در شعر معاصر، نیما نقش زیادی در پایه‌ریزی این شیوه، داشته است و پیروان وی نیز از این روش، بسیار استفاده کرده‌اند. یکی از شاعرانی که از روش هنجارگریزی برای برجسته‌سازی شعر خود بهره گرفته است، شفیعی کدکنی (م. سرشک) است.

این پژوهش سعی دارد تا با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در چارچوب مکتب ساخت‌گرایی و بر مبنای الگوی هنجارگریزی لیچ به بررسی هشت نوع هنجارگریزی (آوایی، زمانی، سبکی، گویشی، معنایی، نحوی، نوشتاری، واژگانی) در اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی بپردازد. اشعار مورد بررسی در پژوهش حاضر، حاصل گزینش تصادفی از دوازده دفتر شعر شفیعی است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بسامد وقوع هنجارگریزی معنایی در اشعار شفیعی، بیش از سایر هنجارگریزی‌هاست. هنجارگریزی زمانی، آوایی، نحوی، واژگانی، سبکی، نوشتاری و گویشی، به ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. از این رو می‌توان شعر شفیعی را شعری دانست که از طریق هنجارگریزی‌ها برجسته شده است.

واژه‌های کلیدی: برجسته‌سازی، هنجارگریزی، شعر شفیعی، ساخت‌گرایی، الگوی لیچ.

۱- مقدمه

«ممکن است فردا یا همین امروز عصر، عقیده دیگری داشته باشم ولی در این لحظه با اطمینان خاطر می‌توانم بگویم:

شعر حادثه‌ایست که در زبان روی می‌دهد...» (شفيعی کدکنی، ۱۳۷۰، ص ۳)

شافعی (۱۳۸۴، ص ۵۸۲) درباره شعر شفيعی می‌گوید: «زبان شعر او فصیح، دقیق و روشن است. شعر او محصول خالص طبع و طبیعت است... در شعر او، اثری از معلق‌گویی و یا پرگویی دیده نمی‌شود. زبانی نرم و پرتوان دارد... او در شعر از دیدگاهی انسانی و اجتماعی سخن می‌گوید و اندیشه‌ها و دریافته‌ها و پدیده‌های زیبای جهان شاعرانه خود را به صورتی دلکش و پرتأثیر به خواننده عرضه می‌دارد...»

اشعار شفيعی کدکنی در دو مجموعه شعری به نام‌های «آینه‌ای برای صداها» - شامل ۷ دفتر شعری: زمزمه‌ها، شبخوانی، از زبان برگ، کوچه باغ‌های نشابور، مثل درخت در شب باران، از بودن و سرودن، بوی جوی مولیان - و مجموعه «هنراره دوم آهوی کوهی» - شامل ۵ دفتر شعری: مرثیه‌های سرو کاشمر، خطی ز دل‌تنگی، غزل برای گل آفتابگردان، در ستایش کبوترها، ستاره دنباله‌دار - منتشر شده است که در این پژوهش، اشعار مورد بررسی، به صورت تصادفی از ۱۲ دفتر شعری وی انتخاب شده است. به این صورت که از هر دفتر، شعر اول، وسط و آخر آن برگزیده شده است، که در مجموع ۳۶ شعر از اشعار وی مورد بررسی و تحلیل واقع شده، پس از انتخاب داده‌ها، هر یک از آنها را با الگوی هنجار‌گزینی لیچ، تطبیق داده نوع هنجار‌گزینی مشخص و سپس بسامد هر یک تعیین شده است. هدف تحقیق حاضر، بررسی هشت نوع هنجار‌گزینی (آوایی، زمانی، سبکی، گویشی، معنایی، نحوی و نوشتاری) در شعر شفيعی کدکنی در چارچوب مکتب ساخت‌گرایی و بر مبنای الگوی هنجار‌گزینی لیچ می‌باشد. بنا بر این برآنیم تا زبان‌شناسی را به عنوان ابزار مناسبی برای تجزیه و تحلیل متون ادبی نشان دهیم و ادبیات را حوزه‌ای غنی و در خور توجه برای بررسی‌های زبان‌شناسانه معرفی نماییم.

۱-۱-۱ سؤال‌های تحقیق

۱- کدکنی جهت برجسته‌سازی شعر خود از چه نوع هنجارگریزی‌هایی استفاده نموده است؟

۲- بیشترین بسامد هنجارگریزی در شعر کدکنی، مربوط به کدام مورد است؟

۲-۱-۱ فرضیه‌های تحقیق

۱- شفיעی کدکنی از انواع هنجارگریزی‌های (آوایی، زمانی، سبکی، گویشی، معنایی، نحوی و نوشتاری) استفاده نموده است.

۲- بیشترین بسامد مربوط به هنجارگریزی معنایی است.

۳-۱-۱ کاربردهای تحقیق

این تحقیق می‌تواند قدمی هر چند کوچک در راه معرفی و گسترش مطالعات زبانشناختی ادبیات باشد. از طرفی می‌تواند علاقمندان به شعر (مخصوصاً شعر کدکنی) را در درک هر چه بیشتر اشعار و شناخت سبک شعری شاعر یاری رساند. همچنین الگوی معرفی شده در این تحقیق می‌تواند مبنای تحقیق و توصیف جهت شناختن اشعار شُعراي دیگر نیز باشد.

۲- پیشینه مطالعات هنجارگریزی در ایران

رضایی (۱۳۷۶) به بررسی زبان‌شناختی ویژگی‌های سبکی اشعار نیمایوشیج با توجه به بسامد آماری گونه‌های هنجارگریزی براساس مکتب ساخت‌گرایی پرداخته، وی پس از بررسی هشت گونه هنجارگریزی در اشعار نیما، بسامد وقوع هنجارگریزی معنایی را بیش از سایر هنجارگریزی‌ها گزارش کرده است. هنجارگریزی نحوی، زمانی، سبکی، واژگانی، آوایی و نوشتاری به ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

سجودی (۱۳۷۶) به بررسی سبک‌شناسی شعر سپهری با رویکردی زبان‌شناختی پرداخته، وی در قسمت نتیجه‌گیری خود، بسامد وقوع انواع هنجارگریزی در اشعار سهراب سپهری را به شرح زیر گزارش کرده است: هنجارگریزی معنایی (۸۵ درصد)، زمانی (۹/۹ درصد)، واژگانی (۳/۱ درصد)، آوایی (۰/۳ درصد)، سبکی (۰/۷۴ درصد)، نحوی (۰/۷۴ درصد)، نوشتاری (صفر درصد) گویشی (صفر درصد).

محمدی (۱۳۷۶) به بررسی سبک‌شناسی اشعار فروغ فرخزاد در چارچوب بسامد آماری هنجار‌گزینی بر مبنای ساخت‌گرایی پرداخته است. طبق بررسی وی، هنجار‌گزینی معنایی دارای بیشترین بسامد وقوع، هنجار‌گزینی‌های زمانی، سبکی و نحوی به ترتیب در جایگاه دوم، سوم و چهارم و بسامد هنجار‌گزینی آوایی، نوشتاری و گویشی در اشعار فروغ صفر است.

علی نسب (۱۳۷۸) در فصل دوم رساله خود با عنوان «هنجار‌گزینی در شعر معاصر و اهمیت آن در آموزش شعر» انواع هنجار‌گزینی را توضیح داده و برای روشن‌تر شدن مفهوم هنجار‌گزینی، نمونه‌هایی از شعر معاصر را برای هر یک ذکر کرده است. وی در نتیجه‌گیری خود، شناخت هنجار‌گزینی را مؤثر در درک ادبی و التذاد هنری شعر می‌داند.

اهروانی (۱۳۸۰) به بررسی زبان‌شناختی ویژگی سبکی اشعار احمد شاملو با توجه به گونه‌های هنجار‌گزینی پرداخته است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در اشعار احمد شاملو، هنجار‌گزینی معنایی بیش از سایر هنجار‌گزینی‌هاست و هنجار‌گزینی زمانی در شعر شاملو در مقایسه با سایر اشعار شاعران معاصر از بسامد قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

سنگری (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «هنجار‌گزینی و فراهنجاری در شعر» به توصیف انواع هنجار‌گزینی با ذکر مثال پرداخته است. وی تلاش برای شکافتن سقف فلک عادت‌ها و «طبق معمول‌ها» و ایجاد فضاهای نو و راههای تازه در ادبیات را تحت عنوان هنجار‌گزینی یا حرکت فراهنجارها آورده است و معتقد است که گریز از هنجارها، اگر عالمانه، زیبا و هنجارمند اتفاق بیفتد، علاوه بر بالندگی و استمرار حیات شعر، به غنای زبان نیز کمک می‌کند.

طاهر‌نژاد (۱۳۸۳) هنجار‌گزینی را به عنوان یکی از ابزارهای شعرآفرینی در شعر کودک می‌داند. وی در بررسی ابزارهای شعرآفرینی در شعر کودک، هنجار‌گزینی معنایی را دارای بیشترین بسامد ذکر کرده و علت کاربرد بسیار بالای آن را ملموس بودن و قابل دید بودن آن می‌داند.

فلاحی (۱۳۸۷) هنجار‌گزینی را تحت دو عنوان کلی هنجار‌گزینی در معنا و در لفظ در آثار حمید مصدق بررسی کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هنجار‌گزینی معنایی دارای بسامد بالایی است و از بین هنجار‌گزینی‌های لفظی، هنجار‌گزینی زمانی دارای بیشترین بسامد در آثار مصدق است.

گلشنی (۱۳۸۷) به بررسی انواع صور خیال، استعاره، تلمیح، باستان‌گرایی و موسیقی شعر کدکنی پرداخته است. وی آرکائیسیم (هنجار‌گزینی زمانی) را در شعر کدکنی بررسی کرده و معتقد است که شفیع شاعری باستان‌گراست که باستان‌گرایی وی نشأت گرفته از آشنایی او با ادبیات کهن است.

در این پژوهش، به بررسی هشت نوع هنجار‌گزینی در شعر شفیع کدکنی در چارچوب مکتب ساخت‌گرایی و بر مبنای الگوی لیچ می‌پردازیم.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۳-۱- هنجار‌گزینی آوایی

کاربرد صورتی که از نظر آوایی در زبان هنجار متداول نیست را هنجار‌گزینی آوایی گویند. در این نوع هنجار‌گزینی، شاعر از قواعد آوایی هنجار، گریز می‌زند. دو دسته هنجار‌گزینی آوایی وجود دارد که یک دسته آن، بسامد و فراوانی بسیار بالایی دارد و می‌توان گفت که به علت کاربرد زیاد، امروزه در زبان شعر، بی‌نشان هستند که تعدادشان محدود است، مانند (ز، دگر، نگه) به جای (از، دیگر، نگاه)، اما دسته دوم شامل واژه‌هایی می‌گردد که تحت ضروریات وزنی، تلفظی غریب یافته‌اند و به صورت نشان‌دار و ناموس جلوه می‌کنند. در این پژوهش، تأکید بر هنجار‌گزینی آوایی نشان‌دار در شعر شفیع است. در زیر نمونه‌هایی از هنجار‌گزینی آوایی نشان‌دار در شعر کدکنی آورده ایم:

۸۶ / شرمنده برق

۱۲ / پیغام

۱۳ / پیغام

۷۵ / پرسش

- آب گهرم روشنی محفل خویشم

- جز سایه خמוש غمی دیرپای نیست

- آنجا که دسته‌های پرستو، سحر گهان

- ای ابر سو گوار سیه‌پوش

- در خیمه شبگیر کوتاه کرده بود آن مرد؟ / ۹۱ / از پشت این دیوار

- پیش از تو خضرها و سکندرها / ۱۴ / موج نوشته‌های دریا

همان طور که در نمونه‌های مذکور مشاهده می‌کنید، شفیعی کدکنی گاهی تحت ضروریات وزنی، از قواعد آوایی هنجار، گریز زده است و صورتی را به کار برده است که از نظر آوایی در زبان هنجار، متداول نیست (گهر، خموش، سحرگهان، سیه، کوتاه، سکندر) به جای (گوهر، خاموش، سحرگاهان، سیاه، کوتاه، اسکندر). لازم به ذکر است که کدکنی از هر دو نوع هنجارگریزی آوایی (بی‌نشان و نشاندار) در شعر خود بهره گرفته است ولی همان طور که در بالا اشاره کردیم، در این تحلیل، تأکید ما فقط بر هنجارگریزی آوایی نشان دار است.

۳-۲ هنجارگریزی زمانی (آرکائیسم)

در این نوع هنجارگریزی، شاعر از گونه‌ی زمانی زبان هنجار، گریز می‌زند و از واژگان و ساخت‌های نحوی کهن استفاده می‌کند که در زمان او، رایج نیستند و از این رهگذر زبان خود را برجسته می‌سازد. البته بهره‌گیری هنرمندانه از این ظرافت ادبی، مستلزم شناخت دقیق از زبان دیروز است بطوری که استفاده نابجا از آن نه تنها باعث افزایش شکوه و صلابت شعر نمی‌شود بلکه شکاف عمیقی میان مخاطب و شعر، ایجاد می‌کند که جز سردرگمی و هاج و واج شدن در میان خیل عظیم واژگان مهجور و مطرود، ارمغانی برای مخاطب ندارد. اما استفاده بجا و هنرمندانه از این ظرفیت زبان، نه تنها شعر را آهنگین می‌کند بلکه می‌تواند اندیشه‌های ممکن و باورهای فراموش شده باستانی را در شعر، بروز دهد و بر توانمندیهای آن بیفزاید (رومیانی، ۱۳۸۲، صص ۳۱-۳۲).

هنجارگریزی زمانی (آرکائیسم) در دو ساخت کلی، تحقق می‌یابد: آرکائیسم واژگانی و نحوی. در آرکائیسم نحوی، شاعر، نحو گذشته را وارد شعر می‌کند مثلاً آوردن ب بر سر فعل ماضی، شیوه فارسی کهن است که برخی از شاعران از آن استفاده می‌کنند. در اشعار منتخب از شفیعی کدکنی، نمونه‌ای از آرکائیسم نحوی مشاهده نشد. در آرکائیسم واژگانی، شاعر از

واژگان کهن و باستانی بهره می‌گیرد تا زبان شعر خود را از زبان هنجار متمایز سازد. به نمونه‌هایی از آرکائیسیم واژگانی در شعر کدکنی توجه کنید:

- دژخیم مرگزای زمستان جاودان / ۱۳ / پیغام
- تا بنگرم در ژرفنای این حصار شوم / ۴۹ / آیینۀ جم
- از بیشه پا برون هشتی / ۴۳ / مرثیه
- تسخیر کرده، از لجن، از لوش آکنده / ۸۷ / از پشت این دیوار
- خنیاگر غرناطه را، باری بگوید / ۱۱ / دیباچه
- کاینجا دلم در این شبان شوکرانی / ۱۱ / دیباچه
- می‌برد جانب فرغانه و فرخار مرا / ۱۵ / هزاره دوم آهوی کوهی

در این نوع هنجارگریزی، مشاهده می‌کنید که شاعر از گونه‌ی زمانی زبان هنجار خود سر باز زده و صورتهایی را به کار برده که پیشتر در زبان، متداول بوده اند و امروزه به کار برده نمی‌شوند. به کار بردن واژه‌های چون: خس، کومه، بانگ، دژخیم، لوش، آسمانه، هشتی، صحاری، اینک و... نمونه‌هایی از هنجارگریزی زمانی است که از عوامل برجستگی و آشنایی‌زدایی در شعر کدکنی محسوب می‌شود.

۳-۳ هنجارگریزی سبکی

سبک در اینجا به گونه‌های کاربردی متفاوت، اشاره می‌کند و به مفهوم سبک‌های ادبی نیست، هر زبان، سبک‌های کاربردی متفاوتی را در موقعیت‌های متفاوت اجتماعی در گفتار و نوشتار به کار می‌برد. لایه اصلی شعر، گونه‌ی نوشتاری معیار است، هر گاه شاعر از این گونه، گریز بزند و از واژگان یا ساختمان‌های نحوی گفتاری استفاده کند، هنجارگریزی سبکی رخ داده است (صفوی، ۱۳۸۳، ص ۵۳). بنابراین در مجموع می‌توان چنین گفت که انتقال از یک سبک به سبک دیگر، مثلاً از سبک رسمی به سبک گفتار عامیانه، هنجارگریزی سبکی نامیده می‌شود. در زیر نمونه‌هایی از آن در شعر کدکنی آورده شده است:

- اینجا میا... میا... تو هم افسرده می‌شوی! / ۱۱ / پیغام
- اینجا میا که بسته به زنجیر می‌شوی! / ۱۴ / پیغام

- هنوز نقش صدایشان بر آب‌ها جاری‌ست / ۴۴ / مرثیه
- که روزگار نیارد ستردش از آفاق / ۴۶ / سلام و تسلیت
- این بود آن بهشت که در آرزوش بود / ۵۴ / مرداب‌غازیان
- و برگ‌های هوش و هواتان را / ۹۲ / در هجوم خاموشی
- در پشت عاج دندان‌هاتان / ۹۲ / در هجوم خاموشی

همان‌طور که در نمونه‌های مختلف هنجار‌گزینی سبکی در شعر کدکنی مشاهده می‌کنید، شاعر، گاهی یک یا چند واژه عامیانه را وارد شعری کرده که به زبان معیار و رسمی سروده شده است و بدین شکل، شعر خود را برجسته نموده است.

۳-۴ هنجار‌گزینی گویشی

در این نوع هنجار‌گزینی، شاعر، ساختمان‌ها یا کلماتی را از گویشی غیر از زبان معیار، وارد شعر می‌کند. این گویش غیر معیار، می‌تواند غالباً گویش شخص شاعر باشد و بنابراین غالباً مکان‌های خاص جغرافیایی و یا اسامی خاص را در بر می‌گیرد. نیماوشیچ، شاعر نوپرداز، از این نوع هنجار‌گزینی، بسیار استفاده کرده است. و واژه‌هایی محلی - مازندرانی - را وارد شعر خود کرده است که نمونه آن را می‌توان در شعر «کارشب پا» به وفور یافت (علی نسب، ۱۳۷۸، ص ۶۲).

مثال:

و ما بر بیکران سبز و محفل گونه دریا / می اندازیم زورق هایمان را چون **کل** بادام...
 اخوان (به نقل از علی نسب، ۱۳۷۸، ص ۶۲)
 کل در گویش یزدی به معنی پوست است.

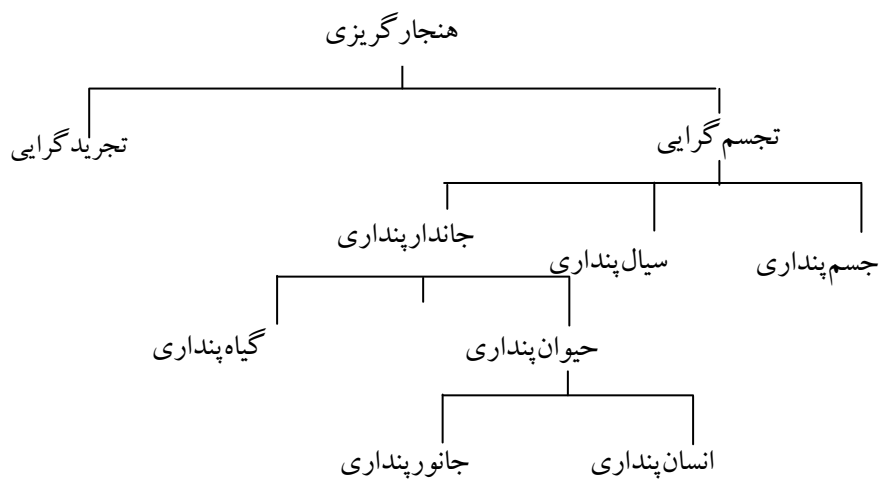
در نمونه‌های منتخب شعر کدکنی، نمونه‌ای از هنجار‌گزینی گویشی مشاهده نشد.

۳-۵ هنجار‌گزینی معنایی

هنجار‌گزینی معنایی، یعنی تخطی از معیارهای تعیین‌کننده هم‌آبی واژگان، به عبارت دیگر یعنی تخطی از مشخصه‌های معنایی حاکم بر کاربرد واژگان در زبان معیار. هنجار‌گزینی معنایی به دو زیر شاخه اصلی تقسیم می‌شود که عبارت است از تجسم‌گرایی و تجرید‌گرایی.

تجرید گرای، یعنی دادن مشخصه معنایی [+ مجرد] به آن واژه‌ای که در نظام معنایی زبان، در نقش ارجاعی دارای مشخصه معنایی [+ ملموس] است. تجسم گرای، حالتی را در بر می‌گیرد که به واژه‌ای که در زبان معیار، دارای مشخصه معنایی [+ مجرد] است، مشخصه معنایی [+ ملموس] و [- مجرد] داده شود و یا آن که در گروه واژگان [+ ملموس] مشخصه‌های فرعی تر، تغییر داده شود و مثلاً به [+ انسان] مشخصه [+ گیاه] داده شود. تجسم گرای، خود به سه گروه: جاندار پنداری، سیال پنداری و جسم پنداری تقسیم می‌شود. جاندار پنداری را به دو گروه: گیاه پنداری و حیوان پنداری تقسیم می‌کنند (سجودی، ۱۳۷۶، صص ۱۳۶-۱۳۴).

در زیر برای سهولت، آن‌ها را در نموداری آورده‌ایم:



نمودار زیر شاخه‌های هنجار گریزی معنایی (همان، ص ۱۳۷)

حال به نمونه‌هایی از انواع مختلف هنجار گریزی معنایی در شعر کد کنی می‌پردازیم:

- بر گردای بهار ... ← انسان پنداری / ۱۳ پیغام
- ای ابر سوگوار سیه پوش ← انسان پنداری / ۷۵ پرسش
- در پناه روح گندم زار خواهم ماند ← تجرید گرای / ۸۸ از پشت این دیوار

- ز بام نیلی شب ← جسم پنداری ۱۲/ دیباچه
 - هزار آینه‌جاری‌ست ← سیال پنداری ۱۳/ دیباچه
 - مردها جوشد ز خاک ← سیال پنداری ۸۳/ گفتگو
 - تیغ یقین حضرت میر مبارزان ← جسم پنداری (تجسم‌گرایی) ۵۳/ مرداب غازیان
 - من آن بذر بی حاصلم کاین جهان را ← گیاه پنداری ۱۰۴/ صدای اعماق

همان طور که می‌دانیم، همنشینی واژه‌ها بر اساس قواعد معنایی حاکم بر زبان هنجار، تابع محدودیت‌های خاص خود است. اما در نمونه‌های مذکور از شعر کدکنی، شاعر، با گریز از مشخصه‌های معنایی حاکم بر کاربرد واژگان در زبان معیار، دست به هنجار‌گزینی معنایی زده است و در شکل‌های مختلف آن (جسم پنداری، سیال پنداری، جاندارپنداری، انسان پنداری و گیاه پنداری) اشعار خود را برجسته نموده است.

۳-۶ هنجار‌گزینی نحوی

انحراف از ساخت‌های نحوی معیار و گریز از قواعد حاکم بر نحو زبان هنجار را هنجار‌گزینی نحوی می‌گویند. شاعر می‌تواند در شعر خود با جابه‌جا کردن عناصر سازنده جمله از قواعد نحوی زبان هنجار، گریز بزند و زبان خود را از زبان هنجار متمایز سازد (صفوی، ۱۳۸۰، ص ۵۰).

پربسامدترین نوع هنجار‌گزینی نحوی، خارج شدن از آرایش سازگانی غالب در زبان معیار است. ساخت غالب جمله‌ها در زبان فارسی «فاعل - مفعول - فعل» است. البته در همین غالب معیار نیز، سازه‌ها می‌توانند کم و بیش حرکت آزادانه‌ای داشته باشند چرا که نقش کلمات در بسیاری از مواقع توسط نقش‌نماها معین می‌شوند و تنها از طریق قرار گرفتن در مکان ویژه‌ای در جمله نمی‌باشد. حتی در زبان روزمره، سازه‌ها براساس ارزش گفتمانی و شرایط خاص کاربردی حرکت می‌کنند، بالطبع در زبان شعر و در غالب موارد، بنا بر ضروریات وزنی، این حرکت بیشتر صورت می‌گیرد و از آن جائیکه، تنها در شعر، شاهد این حرکت‌ها سازه‌ها نیستیم، می‌توانیم آن را هنجار‌گزینی نحوی بی‌نشان محسوب کنیم. اما در بعضی موارد، تغییراتی صورت می‌گیرد که در نحو زبان معیار، اصلاً شاهد آن نیستیم و تنها در

زبان ادبی، بویژه شعر وجود دارد که به آن هنجارگریزی نحوی نشان‌دار می‌گوییم (علی‌نسب، ۱۳۷۸، ص ۶۵). تأکید ما نیز بر همین نوع هنجارگریزی می‌باشد. شایع‌ترین نوع آن، کاربرد فعل لازم همراه با مفعول صریح می‌باشد. در حالیکه مفعول صریح نیازمند به فعل متعدی است. به عبارتی دیگر، دادن مشخصه [+متعدی] به فعل لازم یا [-متعدی] است. مثال:

موج تو اقلیم مرا گرفت / ترا یافتم، آسمان‌ها را پی بردم (سپهری، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰)

شاعر در اینجا به فعل لازم (پی بردن) مشخصه متعدی داده است.

حال به نمونه‌هایی از هنجارگریزی نحوی در شعر کدکنی توجه می‌کنیم:

- موج صدای پای تو می‌آیدم به گوش! ← گریز از آرایش متداول جمله ۱۱ / پیغام

- ناگهانش گریه آرامش ربود ← جهش ضمیری ۸۲ / گفت و گو

- خنیاگر غرناطه را / باری بگوئید ← جابه‌جایی در کاربرد حروف (را به جای به) ۱۱ / دیباچه

- پی درودن این سرخ پیشه ← جابه‌جایی موصوف و صفت ۴۶ / سلام و تسلیت

- و بسیاریا پرسش از خاطر او / گذر دارد و هیچ پاسخی ندارد

← جابجایی مضاف و مضاف الیه و جابجایی پسوند جمع ۶۱ / برگ درختان سبز

همان‌طور که مشاهده کردید، در نمونه‌های ذکر شده از شعر کدکنی، شاعر با گریز از ساخت‌های نحوی زبان هنجار و قواعد حاکم بر آن، زبان خود را برجسته و متمایز کرده است و بیشترین نمود هنجارگریزی نحوی (نشان‌دار) در اشعار کدکنی، بصورت گریز از آرایش غالب جمله‌ها در زبان هنجار بوده است که در اکثر موارد این هنجارگریزی، خود را به صورت برجسته و عامل مؤثر در شعر آفرینی نشان داده است.

۳-۷ هنجارگریزی نوشتاری

گاهی شاعر، در نوشتار شعر، شیوه‌ای را به کار می‌برد که تغییری در تلفظ واژه بوجود نمی‌آورد. بلکه مفهومی ثانوی بر مفهوم اصلی واژه می‌افزاید. درست خواندن شعر، انتقال احساس و اندیشه، دیداری کردن شعر، نشان دادن فاصله‌های زمانی و مکانی و برجسته‌سازی تصاویر از مهمترین کارکردهای این نوع از هنجارگریزی است (صالحی‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۸۳).

در زیر، به نمونه ای از آن در شعر شاملو توجه می‌کنیم. همان طور که مشاهده می‌کنید شاعر، واژه های قطره، قطره، قطره را به صورتی نوشته است که شیوهٔ باریدن قطره و فرو ریختن آن را به مخاطب القا می‌کند.

ای کاش می‌توانستم / خون رگان خود را / من

قطره

قطره

قطره

بگیریم / تا باور کنند... (شاملو، ۱۳۶۸، ص ۲۳)

در اشعار منتخب از کدکنی، بجز نمونهٔ زیر، نمونهٔ دیگری از هنجارگریزی نوشتاری مشاهده نشد. در اینجا شاعر، واژهٔ «تنها» را به صورت تنها نوشته تا تنهایی را بهتر به مخاطب القا کند.

دقت: از زبان برگ

- آب از کنار کاج‌ها،

تنها،

نخواهد رفت

۳-۸ هنجارگریزی واژگانی

هرگاه شاعر با گریز از قواعد ساخت واژهٔ زبان هنجار، واژه‌ای جدید بیافریند، هنجارگریزی واژگانی صورت گرفته است (صفوی، ۱۳۸۰، ص ۴۹). اختراع واژهٔ جدید، از متداول‌ترین روش‌هایی است که شاعر در اثر خود، از آن بهره می‌گیرد و با این روش، امکانات واژه‌سازی زبان معیار را نیز گسترش و تعمیم می‌دهد. در زیر نمونه ای از هنجارگریزی واژگانی در شعر کدکنی آورده شده است:

۴۸ / بیابان طلب

- ساغرم آیینگی کرد و جهانی یافتم

۱۱ / پیغام

- وز پشت بیشه‌های بلورین صبحدم

۱۲ / پیغام

- جز سایهٔ خموش غمی دیرپای نیست

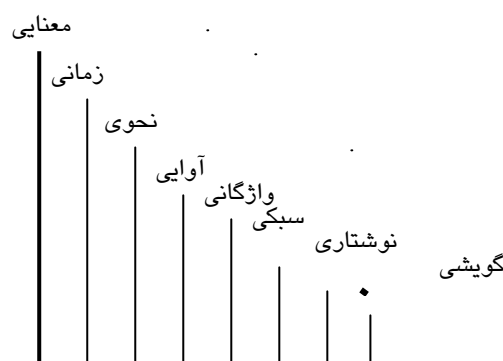
- آن جام جان پیوند، آن آینه جم را
 - مرغ عقیقین بالزرین پیکر آتش
 - غرور پاک و برف پوش قلعه‌ها
 - مستان امروزینه، هشیاران دیروزند
 - بوته گندم رویده بر آن بام سفال
 - در آسمان، تنگ خیالش، تمام شک
 - با آذر خشوازه شعرم
 - گرین آب و خیزاب، طغیان به دوش
 - درین قحط سال دمشقی
- ۴۶ / آینه جم
 ۴۷ / آینه جم
 ۱۳ / عبور
 ۸۸ / از پشت این دیوار
 ۱۸ / هزاره دوم آهوی کوهی
 ۵۳ / مرداب غازیان
 ۹۳ / در هجوم خاموشی
 ۵۸ / صدف
 ۱۲ / درین قحط سال دمشقی

همان‌طور که در نمونه‌های بالا مشاهده می‌کنید، شفیع با گریز از شیوه معمول ساختن واژه‌ها و با همنشین کردن واژه‌هایی که همنشینی آنها در زبان هنجار متداول نیست، واژه‌های جدید آفریده تا زبان هنجار را به زبان آفرینشگر تبدیل کند. این نوع هنجارگریزی، علاوه بر افزایش تاثیر شعر، باعث غنای زبان نیز می‌شود تا جایی که بسیاری از این واژه‌های خلق شده توسط شاعر، در زبان هنجار متداول می‌شوند و این غنی شدن زبان را به دنبال دارد. طبق تجزیه و تحلیل انواع هنجارگریزی‌ها در اشعار منتخب از ۱۲ دفتر شعری محمدرضا شفیع کدکنی، بسامد وقوع هر یک به شرح زیر می‌باشد:

جدول شماره (۱) بسامد وقوع هنجارگریزی در شعر شفیع

انواع هنجارگریزی	تعداد	بسامد
معنایی	۱۵۵	۳۷/۴۳
زمانی	۹۷	۲۳/۴۳
نحوی	۶۲	۱۴/۹۸
آوایی	۴۷	۱۱/۳۵
واژگانی	۴۱	۹/۹۰
سبکی	۱۱	۲/۶۶
نوشتاری	۱	۰/۲۵
گوشی	۰	۰
	۴۱۴	۱۰۰

از این رو می‌توان شفیعی را شاعری گریزان از هنجار و شعرش را شعری برجسته خواند. نمودار حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها به شرح زیر می‌باشد:



نمودار شماره (۸) بسامد وقوع هنجار‌گزینی در شعر کدکنی

۴- نتیجه‌گیری

با تجزیه و تحلیل داده‌ها و تعیین بسامد وقوع هر یک از هنجار‌گزینی‌ها در شعر شفیعی کدکنی، به نتایج زیر می‌توان اشاره کرد:

بسامد وقوع انواع هنجار‌گزینی در شعر کدکنی به ترتیب زیر می‌باشد:

معنایی، زمانی، نحوی، آوایی، واژگانی، سبکی، نوشتاری، گویشی بنا بر این هنجار‌گزینی معنایی دارای بیشترین بسامد وقوع در این اشعار است.

همچنین با تحقیقات همه‌جانبه از این نوع در ادبیات، می‌توان به قالب‌های علمی دست یافت و ابزارهای آفرینش، نظم و حتی نثر ادبی را جداگانه مشخص نمود.

منابع

اهروانی سلماسی، رحیم، ۱۳۸۰، «بررسی زبان‌شناختی ویژگی سبکی اشعار احمد شاملو با توجه به گونه‌های هنجار‌گزینی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
رضایی، آرزو، ۱۳۷۶، «بررسی زبان‌شناختی ویژگی‌های سبکی اشعار نیمایوشیح با توجه به بسامد آماری گونه‌های هنجار‌گزینی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
رومیانی، حشمت‌اله، ۱۳۸۲، «هنجار‌گزینی در شعر احمد شاملو»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

سپهری، سهراب، ۱۳۸۶، *هشت کتاب*، تهران: طهوری.

سجودی، فرزانه، ۱۳۷۶، «سبک‌شناسی شعر سپهری، رویکردی زبان‌شناختی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

سنگری، محمدرضا، ۱۳۸۱، «هنجار‌گزینی و فراهنجاری در شعر»، نشریه شعر، س ۱۲، ش ۴۰-۹-۴.

شافعی، خسرو، ۱۳۸۴، زندگی و شعر صد شاعر معاصر، تهران: کتاب خورشید.

شاملو، احمد، ۱۳۶۸، مرثیه‌های خاک، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.

شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۰، موسیقی شعر، تهران: آگاه.

_____، ۱۳۸۸، از بودن و سرودن، تهران: سخن.

_____، ۱۳۸۸، از زبان برگ، تهران: سخن.

_____، ۱۳۸۸، بوی جوی مولیان، تهران: سخن.

_____، ۱۳۸۸، خطی ز دل‌تنگی، تهران: سخن.

_____، ۱۳۸۸، در ستایش کیوترها، تهران: سخن.

_____، ۱۳۸۸، زمزمه‌ها، تهران: سخن.

_____، ۱۳۸۸، ستاره دنباله‌دار، تهران: سخن.

_____، ۱۳۸۸، شیخوانی، تهران: سخن.

_____، ۱۳۸۸، غزل برای گل آفتابگردان، تهران: سخن.

_____، ۱۳۸۸، کوچه‌باغ‌های نشابور، تهران: سخن.

_____، ۱۳۸۸، مثل درخت در شب باران، تهران: سخن.

_____، ۱۳۸۸، مرثیه‌های کاشمر، تهران: سخن.

صالحی‌نیا، مریم، ۱۳۸۳، «هنجار‌گزینی نوشتاری در شعر امروز»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ش ۱، تابستان ۸۲-۹۳-۸۳.

صفوی، کورش، ۱۳۸۰، گفتارهایی در زبان‌شناسی، تهران: هرمس.

طاهرزاد، زهرا، ۱۳۸۳، «ابزارهای شعر آفرینی در شعر کودک»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.

علی‌نسب، داود، ۱۳۷۸، «هنجار‌گزینی در شعر معاصر و اهمیت آن در آموزش شعر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

فلاحی، مریم، ۱۳۸۷، «زیباشناسی اشعار حمید مصدق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۲۸ بررسی هنجار‌گزینی در شعر شفيعی کدکنی بر مبنای الگوی لیچ

گلشنی، شهاب، ۱۳۸۷، «زیباشناسی شعر شفيعی کدکنی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد دزفول.

محمدی، زهرا، ۱۳۷۶، «بررسی سبک‌شناختی اشعار فروغ فرخزاد در چارچوب بسامد هنجار‌گزینی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.